



The Role of Virtual Social Networks in the Evolution of Young Couples' Communication Patterns (A Study of Women's Lived Experience Based on Grounded Theory)

Dawood Safa  / Assistant Professor of Sociology, Al-Mustafa University

davood_safa@yahoo.com

Received: 2024/11/12 - **Accepted:** 2025/01/06

Abstract

The present study examines the role of virtual social networks in the evolution of communication patterns of young couples based on the lived experience of women in the city of Qom. Using the interpretive approach and qualitative method of grounded theory, the views of 51 young women were obtained using exploratory interviews. Purposive and snowball sampling continued until theoretical saturation was reached. The conceptual framework is based on Inglehart's theories of value transformation, Bal-Rokic and DeFlore's audience dependency, and Castells' network society. The findings show that the central phenomenon of the transformation of communication and value patterns among couples is due to their presence in virtual social networks. This phenomenon is shaped by the socio-cultural changes of the digital age and the functional challenges of the family. The attractiveness of social networks and psychosocial motivations are the basis for these changes the consequences of which are observed at individual, social, and family levels: These obvious consequences lead to fundamental and long-term changes in the communication and value patterns of couples; including excessive individualism and breaking with traditional structures, silent sexual revolution, crisis in gender identity and roles, and consumerism.

Keywords: virtual social networks, communication patterns of couples, young women, Qom.

نوع مقاله: پژوهشی

نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در تحول الگوهای ارتباطی زوجین جوان (مطالعه تجربه زیسته زنان بر مبنای نظریه زمینه‌ای)

davood_safa@yahoo.com

داود صفا  / استادیار جامعه‌شناسی جامعه المصطفی العالمیه

دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۲ - پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۷

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در تحول الگوهای ارتباطی زوجین جوان بر مبنای تجربه زیسته زنان شهر قم می‌پردازد. با رویکرد تفسیرگرایانه و روش کیفی نظریه زمینه‌ای، ۵۱ زن جوان مورد مصاحبه اکتشافی قرار گرفتند. نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی تا اشباع نظری ادامه یافت. چارچوب مفهومی بر نظریات دگرگونی ارزشی اینگلهارت، وابستگی مخاطبان بال روکیچ و دی فلور و جامعه شبکه‌ای کاستلز استوار است. یافته‌ها نشان می‌دهد که پدیده محوری دگرگونی الگوهای ارتباطی و ارزشی در بین زوجین به دلیل حضور در شبکه‌های اجتماعی مجازی است. این پدیده تحت تأثیر تغییرات اجتماعی - فرهنگی عصر دیجیتال و چالش‌های کارکردی خانواده شکل می‌گیرد. جذابیت شبکه‌های اجتماعی و انگیزه‌های روانی - اجتماعی زمینه‌ساز این تغییرات هستند. پیامدهای این تحولات در سه سطح فردی، اجتماعی و خانوادگی مشاهده می‌شود. این پیامدهای آشکار منجر به تحولات اساسی و بلندمدت در عرصه الگوهای ارتباطی و ارزشی زوجین؛ از جمله افراط در فردگرایی و گسست از ساختارهای سنتی، انقلاب جنسی خاموش، بحران در هویت و نقش‌های جنسیتی و مصرف‌زدگی خانوادگی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: شبکه‌های اجتماعی مجازی، الگوهای ارتباطی زوجین، زنان جوان، شهر قم.

بیان مسئله

شبکه‌های اجتماعی مجازی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین پدیده‌های نوظهور، به‌طور فزاینده‌ای بر زندگی افراد به‌ویژه زنان تأثیر می‌گذارد. آمارها نشان می‌دهد که در ایران زنان جوان یکی از فعال‌ترین گروه‌های کاربری شبکه‌های اجتماعی هستند. حضور پررنگ و گسترده زنان متأهل در این فضا فرصت‌ها و چالش‌های جدیدی را برای روابط خانوادگی و زناشویی آنها ایجاد کرده و می‌تواند ساختار، کارکردها و الگوهای ارتباطی خانواده را دستخوش تغییر کند. به تعبیر گیدنز «در میان تغییراتی که این روزها در جریان است، اهمیت هیچ‌کدام به‌اندازهٔ اتفاقاتی نیست که در زندگی شخصی، در روابط جنسیتی، حیات عاطفی، ازدواج و خانواده در حال وقوع است» (گیدنز، ۲۰۰۳، ص ۶). یکی از این تحولات، الگوی روابط زوجین است.

الگوی روابط زوجین مفهومی چندبعدی است که شامل سازگاری، رضایت، شادمانی، انسجام و تعهد بین زوجین می‌شود (سانفورد، ۲۰۰۶، به نقل از: حیدری، ۱۴۰۰). این الگو امروزه با ظهور فناوری‌های نوین ارتباطی به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی مجازی، دستخوش تغییر شده است؛ همچنین از منظری دیگر می‌توان الگوی ارتباطی زوجین را در سه بعد الگوی حل مسئله، روابط عاطفی و روابط جنسی تعریف کرد.

با توسعهٔ شبکه‌های اجتماعی، «زیست جهان» جوامع «دو فضایی» شده است (عاملی، ۱۳۹۵)، و کنشگران در ایجاد تعادل بین فضای مجازی و حقیقی با چالش‌های جدی مواجه شده‌اند. شبکه‌های اجتماعی با اقتضائات خاص خود، موجب تغییرات در ابعاد شناختی، گرایشی و رفتاری زنان جوان شده است. این فضا تغییرات اجتماعی سریع، عمیق و چندبعدی با ویژگی‌های ساختارشکنی، شتاب فزاینده و ایجاد موقعیت‌های ارتباطی جدید در اکثر ابعاد اجتماعی را ایجاد کرده است؛ همچنین رسانه‌های نوین و فضای مجازی و خصلت ویژهٔ کنترل‌ناپذیری آن به‌صورت غیرمستقیم زمینهٔ تشدید تعارض نقش‌های جنسیتی (تعارض کار خانگی و اشتغال زنان) را فراهم کرده است (حیدری و دهقانی، ۱۳۹۳).

شهر قم به‌عنوان یکی از مراکز مهم مذهبی - فرهنگی ایران، با بافت سنتی و ارزش‌های خاص خود، محیط منحصربه‌فردی برای مطالعهٔ تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر زنان متأهل است. تعارض بین ارزش‌های سنتی و مدرن، و چالش‌های ناشی از حضور در فضای مجازی در این شهر نمود ویژه‌ای دارد. مطالعات نشان می‌دهند استفادهٔ مدیریت‌نشده از این فضاها به تغییر نظام ارزشی، افزایش توقعات، کاهش اعتماد متقابل، انزوا و فاصله از محیط‌های واقعی منجر شده است (پاک‌خصال و همکاران، ۱۳۹۸).

«استفادهٔ آسیب‌زا از فضای مجازی» به شناخت‌ها، هیجانات و رفتارهای ناهنجاری اشاره دارد که پیامدهای منفی اجتماعی به همراه دارد. «دیویس» در نظریهٔ شناختی - رفتاری خود، مشکلات روانی - اجتماعی را با رفتارهای ناکارآمد در فضای مجازی مرتبط می‌داند (Davis, 1989).

مطالعات پیشین نشان می‌دهند که استفاده از شبکه‌های اجتماعی می‌تواند از یک‌سو به کاهش تعاملات حضوری و تضعیف روابط عاطفی در خانواده منجر شود؛ و از سوی دیگر با افزایش آگاهی و ایجاد شبکه‌های حمایتی برای زنان همراه باشد (Barak & Sadosky, 2008). شبکه‌های اجتماعی مجازی به مثابه انفجار ارتباطی عمل می‌کنند (افراسیابی، ۱۳۹۲).

با وجود مطالعات متعدد در حوزه شبکه‌های اجتماعی، خلأ پژوهشی در خصوص تجربه زیسته زنان متأهل در شهر قم و چگونگی تأثیرپذیری الگوهای ارتباطی آنها از این فضا وجود دارد. رویکرد کیفی و نظریه زمینه‌ای می‌تواند به درک عمیق‌تر این پدیده کمک کند. بنابراین پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سؤال اصلی است که بر اساس تجربه زیسته زنان جوان متأهل شهر قم، شبکه‌های اجتماعی مجازی تحت چه شرایطی (علی، زمینه‌ای و مداخله‌ای) و از طریق چه فرایندهایی بر دگرگونی الگوهای ارتباطی آنها با همسرانشان تأثیر می‌گذارد و این دگرگونی چه پیامدهایی برای روابط خانوادگی آنها دارد؟

ضرورت پژوهش حاضر از جنبه‌های مختلف قابل توجه است. در دهه‌های اخیر تحولات نهاد خانواده در ایران به یکی از مسائل مهم اجتماعی تبدیل شده که تأثیرات عمیقی بر ساختارها و روابط اجتماعی داشته است. این تحولات نسلی را پدید آورده که ارزش‌ها و اولویت‌های فردی آن با انتظارات جمعی تفاوت دارد و موجب تغییرات اساسی در گفتمان خانواده شده است. با وجود مطالعات گسترده، خانواده همچنان پدیده‌ای پیچیده محسوب می‌شود که دگرگونی‌های آن تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی قرار دارد و پیامدهای گسترده‌ای را به دنبال دارد.

گیدنز (۱۳۸۷، ص ۱۵) تأکید می‌کند که مدرنیته تغییرات بنیادینی در کیفیت زندگی روزمره ایجاد کرده است. فضای مجازی نیز به عنوان عاملی مهم بر خانواده که بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی است، تأثیر گذاشته و در کنار مزایای خود آسیب‌هایی را نیز به همراه داشته است. در ایران بخش قابل توجهی از آسیب‌های اجتماعی مرتبط با شبکه‌های اجتماعی به خلأها و شکاف‌های موجود در روابط میان فردی در فضای واقعی بازمی‌گردد.

پیشینه تحقیق

۱. تأثیر رسانه و شبکه‌های اجتماعی بر هویت جنسیتی و روابط اجتماعی

در اولین پژوهش‌ها در این زمینه، ولمن و هاس (۱۳۸۵) به بررسی نقش رسانه در شکل‌گیری هویت اجتماعی پرداختند. آنها نشان دادند که رسانه‌ها از طریق بازتاب ایدئولوژی و رفتار تأثیر قابل توجهی بر هویت اجتماعی افراد دارند. در سال‌های اخیر پژوهش‌هایی عمیق‌تر به رابطه میان شبکه‌های اجتماعی و هویت جنسیتی پرداخته‌اند. امیربیک و بابایی (۱۴۰۲) بازتاب طرح‌واره‌های جنسیتی در شبکه‌های اجتماعی و تأثیر آن بر هویت زنان و مردان

را بررسی کردند و نتیجه گرفتند که طرح‌واره‌های جنسیتی در شبکه‌های اجتماعی مجازی با هویت جنسیتی زنان و مردان رابطه مثبت دارد و همچنین جامعه‌پذیری جنسیتی در این رسانه‌ها از طریق بازنمایی نقش‌های جنسیتی با هویت جنسیتی زنان ارتباط مثبت و معناداری دارند.

۲. تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر روابط زناشویی و کارکرد خانواده

نخستین پژوهش‌های این حوزه در سطح بین‌المللی مانند مطالعه مک‌دانیل و کوین (۲۰۱۴)، تأثیر فناوری و رسانه‌های نوین بر روابط زناشویی را بررسی کردند. آنها نشان دادند که استفاده بیش از حد از فناوری، با افزایش تعارض زناشویی و کاهش رضایت همسران همراه است؛ همچنین کلاینتون (۲۰۱۴) در بررسی «تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر روابط عاطفی کاربران»، به این نتیجه رسید که شبکه‌های اجتماعی با زمینه‌سازی روابط عاطفی و عاشقانه فرازناشویی، زمینه خیانت همسران و در نهایت طلاق را ایجاد می‌کنند.

در ایران پژوهش‌هایی مانند تحقیق احمدی و پوررضا کریم‌سرا (۱۳۹۲) و سمیعی (۱۳۹۵) به بررسی بحران خانواده در مواجهه با مدرنیته پرداختند. این پژوهش‌ها نشان دادند که جهانی شدن و تقلید از الگوهای غربی بدون بستر تاریخی مناسب، به برهم خوردن نظم سنتی خانواده منجر شده است. قاراخانی (۱۳۹۴) تغییرات ساختاری و کارکردی خانواده در عصر دیجیتال را بررسی نموده است.

در سال‌های اخیر توجه به تأثیر مستقیم شبکه‌های اجتماعی بر روابط زناشویی افزایش یافته است.

هاشمی و همکاران (۱۴۰۰) در بررسی تأثیر گرایش به برنامه‌های ماهواره و شبکه‌های اجتماعی مجازی بر منابع احساسی زنان، نشان دادند که این برنامه‌ها، شامل میزان و نوع استفاده، رابطه مستقیم و مثبتی با تغییرات منابع احساسی زنان داشته‌اند. بهادری و همکاران (۱۴۰۰) رابطه منفی میان استفاده از فضای مجازی و شاخص‌هایی نظیر صمیمیت همسران و رضایت جنسی را شناسایی کردند و نشان دادند که بین استفاده از فضای مجازی و طلاق عاطفی، صمیمیت همسران و رضایت جنسی زوجین همسران رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

به‌طور مشابه موحد و همکاران (۱۴۰۱) به بررسی نقش اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر موبایل در پیش‌بینی طلاق عاطفی و آمادگی طلاق زنان متأهل شهر قاین پرداخته و نشان دادند که اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی، شامل ضعف در مدیریت زمان و کاهش خودکنترلی، با افزایش آمادگی برای طلاق عاطفی در زنان همراه است.

همچنین عاالی و تاجیک (۱۴۰۱) به نقش احساس تنهایی در گرایش به استفاده از شبکه‌های اجتماعی پرداخته‌اند. در جدیدترین پژوهش‌ها، مصلاهی‌راد و ملکیان (۱۴۰۳) تأثیر ارتباطات میان‌فردی در شبکه اینستاگرام را بر افزایش فاصله عاطفی زوجین و احساس تنهایی بررسی کردند. طبق نتایج این پژوهش بین ارتباطات بین‌فردی در شبکه‌های اجتماعی و جدایی و فاصله زوجین، احساس تنهایی و انزوا، نیاز به همراهی و بی‌حوصلگی ارتباط معنادار و مثبتی وجود

دارد؛ همچنین رضایی نسب و همکاران (۱۴۰۲) تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر تحول زندگی زناشویی زنان مطلقه را تحلیل کردند و نشان دادند که این شبکه‌ها می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در گسست روابط خانوادگی داشته باشند.

نوآوری این پژوهش در مطالعه عمیق و نظام‌مند تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر زنان در بافت منحصربه‌فرد فرهنگی - مذهبی شهر قم متجلی می‌شود. این تحقیق با بهره‌گیری از رویکرد کیفی و نظریه زمینه‌ای، به پر کردن شکاف موجود در ادبیات پژوهشی می‌پردازد. وجه تمایز این مطالعه، تحلیل چندبعدی تجربه زیسته زنان جوان و ارائه مدل نظری بومی است که برآمده از داده‌های میدانی می‌باشد.

چارچوب مفهومی

در تحقیقات کیفی، ادبیات نظری نه برای استخراج و آزمون فرضیه‌ها؛ بلکه به عنوان دانش زمینه‌ای استفاده می‌شود تا بستری برای بررسی مشاهدات و گزاره‌های تحقیق فراهم کند. هدف تحقیق کیفی نظریه‌سازی است و از استدلال قیاسی - فرضیه‌ای پرهیز می‌شود (محمدپور، ۱۳۹۰، ص ۲۳۳).

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و روش نظریه زمینه‌ای، به دنبال بازنمایی درک و تفسیر زنان از موضوع پژوهش و نزدیک شدن به دنیای درونی آنان است؛ از این رو به جای چارچوب نظری و استخراج فرضیه، مفاهیم مرتبط در قالب چارچوب مفهومی استخراج شده و در پایان زمینه مقابسه این مفاهیم با مقوله‌های استخراج شده فراهم می‌شود.

در این راستا تمرکز بر نظریه‌هایی بوده است که بر «تأثیرپذیری خانواده و مخاطب از رسانه» تأکید دارند. نظریه اثر رسانه‌ای عمدتاً بر فرآیندهای گزینشی (درک، مواجهه و حفظ) - فرآیندهای گروهی - هنجارهای گروهی - رهبری فکری در میزان تأثیر رسانه‌ها تأکید دارند (ویندال، ۱۳۸۷، ص ۳۳۴).

نظریه‌های مورد توجه در این تحقیق عبارت‌اند از: «نظریه دگرگونی ارزشی رونالد اینگلهارت»، «نظریه وابستگی مخاطبان بال روکیچ و دی فلور» و «نظریه جامعه شبکه‌ای کاستلز». این نظریه‌ها چارچوب مفهومی مناسبی برای بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی بر روابط و مناسبات خانوادگی زوجین فراهم می‌کنند و ابعاد مختلف موضوع را پوشش می‌دهند.

رونالد اینگلهارت در بررسی تغییرات ارزش‌ها و هنجارهای جهانی معتقد است صنعتی شدن موجب تغییر ارزش‌های سنتی به ارزش‌های عقلانی می‌شود. او درباره تغییر فرهنگ بر این باور است که هر فرهنگ، رهیافت مردم را در تطابق با محیط‌شان نشان می‌دهد و این رهیافت در بلندمدت، دگرگونی‌های سیاسی، اقتصادی و فناوری را تبیین می‌کند. جهان‌بینی مردم فقط به وسیله آنچه بزرگ‌ترانشان به آنها می‌آموزند، بستگی ندارد؛ بلکه با تجارب کلی زندگی‌شان شکل می‌گیرد که گاهی عمیقاً با تجارب نسل‌های گذشته متفاوت است. با افزایش جوامع فراصنعتی،

تغییر از ارزش‌های بقا به ارزش‌های خوداظهاری افزایش می‌یابد (Inglehart & Welzel, 2007, p.20). در این بخش یکی از مؤلفه‌های جوامع فراصنعتی، نقش آفرینی و تأثیر شبکه‌های اجتماعی در جامعه مدنظر بوده است.

نظریه وابستگی رسانه‌ای مخاطبان که توسط بال روکیچ و دی فلور در سال ۱۹۷۶ مطرح شد، روابط بین رسانه‌ها، جامعه و مخاطبان را بررسی می‌کند و جامعه را به‌عنوان ساختاری ارگانیک در نظر می‌گیرد. نظام رسانه بخش مهمی از بافت اجتماعی جامعه مدرن است و با افراد، گروه‌ها و نهادهای اجتماعی در ارتباط است (دی فلور و بال روکیچ، ۱۹۸۹، ص ۳۰۲-۳۰۳).

در جوامع توسعه‌یافته، بسیاری از فعالیت‌ها نیازمند اطلاعات تازه و قابل اعتماد هستند و مخاطبان به اطلاعات رسانه‌های جمعی وابسته‌اند (سورین و تانکارد، ۱۳۹۸، ص ۴۱۳). عوامل مؤثر بر وابستگی مخاطبان به رسانه‌ها شامل: ۱. افزایش تغییر، تضاد و بی‌نظمی در جامعه؛ ۲. افزایش تعداد و کارکردهای اطلاعات رسانه‌ای؛ ۳. افزایش نیاز مخاطبان به اطلاعات رسانه‌ای است (سورین و تانکارد، ۱۳۹۸، ص ۴۱۴).

بال روکیچ و دی فلور (۱۹۷۶)، به نقل از: پری، (۲۰۰۲) دو شرط مؤثر بر وابستگی را پیچیدگی جوامع و سطح بالای تغییر و تضاد می‌دانند. این نظریه آثار شناختی، عاطفی و رفتاری رسانه‌ها بر مخاطب را در شرایط وابستگی بررسی می‌کند (مک کوایل و ویندل، ۱۳۸۸). در این پژوهش تأثیر شبکه‌های مجازی بر این سه بعد مورد بررسی قرار گرفته است.

کاستلز معتقد است رسانه‌های جدید نهاد خانواده‌ها را در معرض تغییرات اجتماعی و فرهنگی قرار داده است. در جامعه شبکه‌ای، افراد همواره در حال ارتباط با یکدیگرند و شبکه‌ای شدن معنای همه چیز را مورد بازاندیشی قرار داده است. از نظر وی، جامعه شبکه‌ای تمام دامنه‌های زندگی اجتماعی را دربر گرفته و در چنین جامعه‌ای، افراد همواره در حال ارتباط با یکدیگرند تا ساختار اجتماعی را بهبود بخشند (کاستلز، ۲۰۰۷). به عقیده کاستلز، شبکه‌ای شدن جامعه امروز معنای همه چیز و هر چیزی را مورد بازاندیشی قرار داده و مفاهیم تازه‌ای را ایجاد کرده است. اقتصاد، فرهنگ، اجتماع و حتی مفاهیم عام‌تری همچون مکان و زمان در این فرآیند دگرگون شده، یا همچنان در حال دگرگونی است و معانی و تعاریف نو و جدیدی به خود گرفته‌اند (عاملی، ۱۳۹۵). نظریه جامعه شبکه‌ای با تبیین تأثیرات فراگیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر ابعاد مختلف زندگی، تحول در سبک زندگی افراد را تشریح می‌کند. بر اساس نظریه ساختار شبکه‌ای کاستلز، این شبکه‌ها با دگرگون‌سازی الگوهای ارتباطی و تعاملات اجتماعی، ضمن ایجاد اشکال نوین کنش متقابل شبکه‌ای و بازتعریف مفاهیم زمان و مکان، ریتم جدیدی را در روابط اجتماعی روزمره پدید می‌آورند. این تحولات به خصوصی‌سازی فزاینده فضاها و عمومی و شکل‌گیری هویت‌های فردی و جمعی متمایز، به‌ویژه در میان جوانان، منجر می‌شود.

روش تحقیق

پارادایم پژوهش حاضر برساختی و تفسیری و رویکرد پژوهش کیفی استقرایی و روش نظریه بنیانی (گراندد تئوری) و از نوع پژوهش کاربردی با بهره‌مندی از ابزار مصاحبه نیمه‌ساختارمند بوده است. نظریه زمینه‌ای، نظریه‌ای است که مستقیماً از داده‌هایی استخراج شده که در جریان پژوهش به‌صورت منظم گرد آمده و تحلیل شده‌اند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۰، ص ۳۴).

بر مبنای روش نمونه‌گیری گلوله برفی جهت دستیابی به مشارکت‌کنندگان برای انجام مصاحبه بر مبنای اصل اشباع نظری، ۵۱ نفر از زنان جوان شهر قم انتخاب شدند. به‌منظور تحلیل محتوای مصاحبه‌ها (سه مرحله کدگذاری) از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. (فلیک، ۱۳۸۷، ص ۳۳۶). نمونه‌گیری هدفمند روشی است که در آن منابعی با بیشترین اطلاعات مرتبط با موضوع پژوهش انتخاب می‌شوند. این منابع از ابتدای پژوهش به‌طور کامل قابل شناسایی نیستند؛ زیرا انتخاب هر منبع به کفایت اطلاعاتی بستگی دارد که از منابع قبلی به‌دست آمده است. فرایند نمونه‌گیری تا دستیابی به اشباع نظری؛ یعنی زمانی که داده جدیدی حاصل نشود، ادامه پیدا می‌کند (گال، بورگ و گال، ۱۳۹۵، ص ۳۸۹-۳۹۸). و همچنین داده‌ها از طریق سه مرحله کدگذاری بر حسب نمونه‌گیری نظری به‌دست آمده است. نمونه‌گیری نظری نوعی گردآوری داده است که بر اساس مفاهیم در حال تکوین انجام می‌شود و مبتنی بر مفاهیمی است که از تحلیل بیرون آمده‌اند و به نظر می‌رسد به نظریه در حال تکوین ربط دارند (استراوس و کربین، ۱۳۹۰، ص ۲۲۰). سه نوع اساسی نمونه‌گیری بر اساس سه نوع کدگذاری (باز، محوری و گزینشی) که در تحقیق نظریه زمینه‌ای انجام می‌شود، مورد استفاده قرار گرفته است. در کدگذاری باز از «نمونه‌گیری باز»، در کدگذاری محوری از «نمونه‌گیری رابطه‌ای و گونه‌ای» و در مرحله کدگذاری گزینشی از «نمونه‌گیری افتراقی» استفاده شده است (استراوس و کربین، ۱۳۹۰، ص ۲۲۲-۲۲۹)، و طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی گزاره نهایی استخراج شده است.

معیار نمونه‌گیری در این پژوهش، نمونه‌گیری مرتبط به نظریه در حال تکوین است (فلیک، ۱۳۸۷، ص ۱۳۸). به‌نحوی که در این نوع نمونه‌گیری «پژوهشگر در پی شاخص‌هایی است که نماینده مفاهیمی‌اند که از لحاظ نظری مرتبط‌اند؛ سپس این رویدادها و اتفاقات را از لحاظ ویژگی‌ها و ابعادشان با یکدیگر مقایسه می‌کند» (استراوس و کوربین، ۱۳۹۰، ص ۲۳۳).

در فرایند کدگذاری کیفی، ابتدا کدگذاری باز انجام می‌شود که طی آن داده‌های گردآوری شده طبقه‌بندی و مفاهیم نهفته در آنها شناسایی می‌شوند. این مرحله شامل پنج گام اصلی است: مفهوم‌سازی، یادداشت‌برداری تحلیلی، شناسایی و نام‌گذاری مقوله‌ها، پرورش مقوله‌ها از طریق شناسایی ویژگی‌ها و ابعاد، و استخراج مقوله اصلی (استراوس و کوربین، ۱۳۹۰، ص ۱۲۸-۱۴۰).

پس از اتمام کدگذاری باز، فرایند کدگذاری محوری آغاز می‌شود. در این مرحله، کدهای شناسایی شده در مرحله قبلی تحت عناوین کلی‌تر و جامع‌تر دسته‌بندی می‌شوند تا طبقات محوری بزرگ‌تری شکل بگیرند. در این بخش، مدل پارادایمی ارائه می‌شود که شامل این عناصر است: شرایط علی، پدیده اصلی (هسته)، شرایط مداخله‌گر، راهبردها، پیامدها و زمینه‌ها (استراوس و کوربین، ۱۳۹۰، ص ۱۴۶-۱۶۰).

در مرحله کدگذاری انتخابی یا گزینشی، نتایج حاصل از کدگذاری باز و محوری به شکلی منسجم در قالب یک خط داستانی، سازمان‌دهی و ارائه می‌شوند. این خط داستانی، ارتباط منطقی میان مقوله‌ها را نشان داده و روایت کلی تحقیق را شکل می‌دهد.

یافته‌های پژوهش

کدگذاری باز

با انجام کدگذاری در این مرحله از پژوهش، به طبقه‌بندی و دسته‌بندی مفاهیم از میان متن‌های گردآوری‌شده اقدام و تلاش می‌شود تا آنها را از پراکندگی مطلق خارج ساخته و در طبقه‌های کلی‌تری سامان‌دهی شوند. هدف در کدگذاری باز، درک مفاهیم مستتر در گزاره‌های انتخاب شده است (اشتراوس و کرین، ۱۳۹۰، ص ۱۳۲).

الف) مرحله اول و دوم کدگذاری باز: استخراج عبارات و تبدیل آن به مفاهیم

در مرحله اول کدگذاری باز عبارت‌های اساسی از متن مصاحبه‌ها استخراج شده است، و در مرحله دوم کدگذاری باز مفاهیم اساسی از عبارت‌ها استخراج شده است.

شماره ۱. مرحله اول کدگذاری باز

ردیف	عبارات	مفاهیم اساسی
۱	این فضا اعتماد را از بین برده و رواج بی‌بندوباری را افزایش داده و باعث فروپاشی خیلی از زندگی‌ها شده	بی‌اعتمادی زوجین
		رواج بی‌بندوباری
		فروپاشی خانواده
۲	مشکلاتی مثل دور شدن اعضای خانواده از یکدیگر، شکل‌گیری فاصله عاطفی بین اعضای خانواده، کاهش مراد و گفت‌وگوی صمیمی‌تر بین اعضای خانواده را برآمون ایجاد کرده	دور شدن اعضای خانواده از یکدیگر
		کاهش روابط زوجین
		فاصله عاطفی
۳	درگیری ذهنی برآم ایجاد کرد و حتی باعث افسردگی شد	افسردگی
۴	بله مشکلات عاطفی داشتیم، سختی خانواده داشتیم و با آدم‌های اشتباه آشنا شدم و اعتماد اشتباه داشتیم	بروز مشکلات عاطفی
		روابط فرازناسویی
		تخریب زندگی و طلاق
۵	فضای مجازی هم زندگی قلمو خراب کرد هم ایندمو و افسرده شدم	افسردگی

ب) مرحله سوم کدگذاری باز: تبدیل مفاهیم اساسی به کدهای عام‌تر در قالب و استخراج مقوله‌ها

بر اساس عنوان تحقیق «نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی بر تغییر الگوهای ارتباطی زوجین» مفاهیم ارائه‌شده را می‌توان در مقوله‌های کلی‌تر به شرح ذیل دسته‌بندی کرد:

شماره ۱. مرحله دوم و سوم کدگذاری باز

نوع مقوله‌ها	عبارت مقوله‌ها	مفاهیم اساسی
پدیده محوری	دگرگونی الگوهای فرهنگی و ارزشی روابط زوجین	دگرگونی الگوهای روابط عاطفی زوجین و ارزش‌های خانواده
		تغییر الگوی روابط و تمایلات جنسی زوجین
		تغییر در فرهنگ، ارزش‌ها و نگرش‌های خانوادگی
		تغییر در الگوهای ایفای نقش خانواده

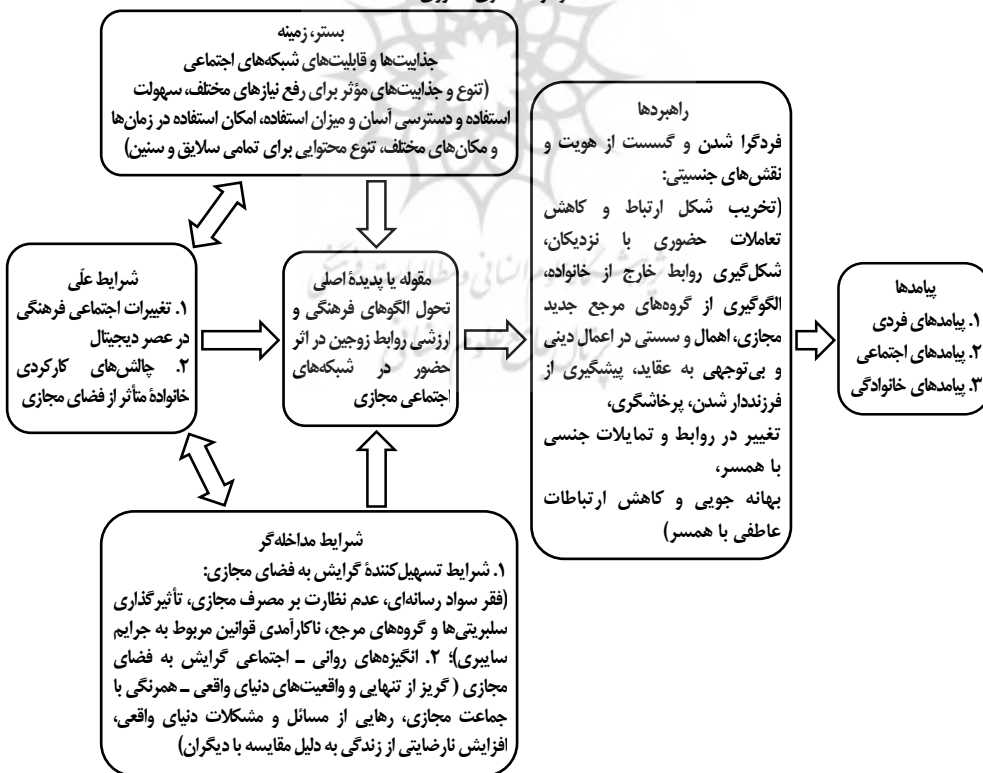
شرایط علی	تغییرات اجتماعی - فرهنگی در عصر دیجیتال	تغییر سبک زندگی زوجین
		تاخر فرهنگی
		تغییر نگرش نسبت به هویت و ارتباطات انسانی
		تغییر نگرش نسبت به حریم خصوصی
		انزوای اجتماعی
شرایط علی	چالش‌های کارکردی خانواده متأثر از فضای مجازی	گمنامی اجتماعی
		کژکارکردهای خانواده
		ناآگاهی و عدم مهارت زوجین در حل مسائل خانوادگی متأثر از دنیای مجازی
		هدمند نبودن زندگی برای زوجین در فضای مجازی
شرایط زمینه‌ای	جذابیت‌ها و قابلیت‌های شبکه‌های اجتماعی	اختلالات عاطفی اعضا و یا طلاق عاطفی حاصل زندگی در دنیای مجازی
		تنوع و جذابیت‌های مؤثر برای رفع نیازهای مختلف
		سهولت استفاده و دسترسی آسان و میزان استفاده
شرایط مداخله‌گر	انگیزه‌های روانی - اجتماعی گرایش به فضای مجازی	تنوع محتوایی برای تمامی سلاقی و سنین
		رهایی از تنهایی و واقعیت‌های زندگی واقعی
		همرنگی با جماعت مجازی
		فقر سواد رسانه‌ای
		عدم نظارت بر مصرف مجازی
پیامدهای فردی	پیامدهای روانی و جسمی در اثر حضور در فضای مجازی	تأثیرگذاری سلبریتی‌ها و گروه‌های مرجع
		ناکارآمدی قوانین مربوط به جرایم سایبری
		وابستگی به دنیای مجازی
پیامدهای اجتماعی	چالش‌های ارزشی و هنجاری به واسطه فضای مجازی	کاهش اعتماد به نفس و افزایش افسردگی
		بروز آسیب‌های جسمی
		سست شدن ارزش‌ها و الگوهای مرسوم خانوادگی
		گسترش تفکرات فمینیستی
		کاهش اعتماد اجتماعی
		آزادی روابط جنسی و قبح‌زدایی از آن
		کاهش دین‌داری اعضای خانواده
پیامدهای خانوادگی	دگرگونی روابط، ساختار و کارکردهای خانواده	کاهش فرهنگ حجاب و عفاف
		رواج جرایم سایبری
		تجمل و مصرف‌گرایی
		سست شدن شبکه روابط خانوادگی
		کاهش تفاهم و همدلی و درک متقابل اعضا
		کاهش تعهدات اعضای خانواده
		کاهش تعاملات حضوری و سست شدن شبکه پیوندهای خانوادگی
		قبح‌زدایی از روابط فرازناشویی
		خشونت خانوادگی
		کاهش تمایل به فرزندآوری

راهبردها	فردگرا شدن و گسست از هویت و نقش‌های جنسیتی	تخریب شکل ارتباط و کاهش تعاملات حضوری با نزدیکان
		الگوگیری از گروه‌های مرجع جدید مجازی
		پیشگیری از فرزندآوری
		انزوای اجتماعی
		تغییر در روابط و تمایلات جنسی با همسر

در ادامه یافته‌های حاصل از جدول فوق در قالب کدگذاری محوری ارائه می‌شود.

کدگذاری محوری عبارت است از: سلسله رویه‌هایی که پس از کدگذاری باز انجام می‌شوند تا با برقراری پیوند بین مقوله‌ها، اطلاعات را به شیوه‌های جدیدی با یکدیگر مرتبط سازند. این کار با استفاده از یک پارادایم (مدل الگویی یا سرمشق) که متضمن شرایط، پدیده محوری و راهبردهای (استراتژی‌های) کنش / کنش متقابل است، تحقیق می‌یابد. در کدگذاری محوری، تمرکز بر مشخص کردن یک پدیده محوری، با در نظر گرفتن شرایطی است که به ایجاد آن می‌انجامد. این شرایط عبارت‌اند از: علل و زمینه‌های که مقوله در آن شکل می‌گیرد، و در ادامه استراتژی‌های کنش / کنش متقابل که به واسطه آنها مقوله اداره، کنترل و اجرا می‌شود، و در نهایت پیامدهای این راهبردها تحقق می‌یابد. (استراوس و کوربین، ۱۳۸۷، ص ۹۷-۹۸).

نمودار کدگذاری محوری



پدیده محوری: دگرگونی الگوهای فرهنگی و ارزشی روابط زوجین

پدیده: ایده، حادثه یا رخدادی است که مفاهیم و مقوله‌ها بر محور آن ایجاد می‌شوند (استراس، کوربین، ۱۳۹۰، ص ۱۵۲). طبق مدل پارادایمی پژوهش و نتایج مصاحبه‌ها، پدیده محوری «دگرگونی الگوهای ارتباطی و ارزشی در بین زوجین به دلیل حضور در شبکه‌های اجتماعی مجازی» است. این پدیده با تمرکز بر نقش زنان در فضای مجازی، چهار بُعد اساسی تأثیرگذار بر روابط خانوادگی را آشکار می‌سازد: نخست، دگرگونی در الگوهای روابط عاطفی زوجین و ارزش‌های خانواده که با کاهش تعاملات حضوری نمود می‌یابد.

فاطمه ۳۲ ساله: «استفاده زیاد از فضای مجازی باعث دور شدنم از اعضای خانواده شد و کم‌کم فاصله عاطفی بین من و همسرم بیشتر شد و با هم کمتر مراوده و گفت‌وگوی صمیمی داشتیم» (کاهش گفت‌وگو و تخریب فضای عاطفی). مینا ۲۵ ساله: «همه چی عالی و خوب بود، تا اینکه فضای مجازی بالا گرفت و روزه‌روز ارتباطمون سردتر می‌شد» (فاصله عاطفی)؛

دوم، تغییر در الگوی روابط و تمایلات جنسی زوجین؛ حدیث ۲۳ ساله: «بینید چون من قبلاً تو بحث ازدواج اینها جاهایی شکست خورده هستم... یه وقتی این فضاهای عشق و عاشقی و این کلیپ‌ها و لایوهایی که گذاشته می‌شود، تأثیر روی رابطه جنسی من با همسرم می‌گذارد» (تغییر تمایلات جنسی)؛ سوم، تغییر در نظام ارزشی و نگرشی خانواده که در قالب دگرگونی نگرش نسبت به هویت، ارتباطات انسانی و تضعیف ارزش‌های خانوادگی بروز می‌کند.

مهدیه ۲۲ ساله: «تحت تأثیر این فضا حیا و غیرت و تعهد از بین رفته و جوان‌ها هوس‌باز شده‌اند» (حیازدایی)، و همچنین منصوره ۲۵ ساله: «یکی دیگه از مسائل، آسیبی که به بنیان خانواده می‌زنه و از بین بردن یه سری حرمت‌ها و گاهی حریم شخصیه» (تهدید حریم و ارزش‌های خانوادگی)؛ و در نهایت، تغییر در الگوهای ایفای نقش خانوادگی که نمود بارز آن در کاهش گرایش به فرزندآوری مشهود است. شیما ۲۳ ساله: «از وقتی که سرم توگوشیه و تو فضاهای مجازی بودم، اصلاً نگرشم در مورد بچه‌دار شدن تغییر کرده...» (تغییر نگرش نسبت به فرزندآوری). زهرا ۴۰ ساله اذغان داشت: «یا اینکه شوهرم وقتی از سر کار برمی‌گشت مثلاً می‌دید غذا سوخته واقعاً عصبانی می‌شد که تو این گوشیا چیه؟ سر این ما همیشه دعوامون بود» (تغییر در نقش جنسیتی). زهرا ۲۹ ساله: «شوهرم به مامانم همیشه اعتراض می‌کرد که فلانی همش سرش تو گوشیه، چه خبرشه مگه این گوشیا چه داره؟» (کژکارکرد نقش همسری).

شرایط علی: مقوله‌هایی (علی) هستند که مقوله اصلی را تحت تأثیر قرار می‌دهند و به وقوع یا گسترش پدیده مورد نظر می‌انجامد. شرایط علی در داده‌ها اغلب با واژگانی نظیر وقتی، درحالی‌که، از آنجاکه، چون، به سبب و به علت بیان می‌شوند. حتی زمانی که چنین نشانه‌هایی وجود ندارد، محقق می‌تواند با توجه به خود پدیده و با نگاه منظم به داده‌ها و بازبینی رویدادها و وقایعی که از نظر زمانی مقدم بر پدیده مورد نظرند، شرایط علی را بیابد (استراس، کوربین، ۱۳۹۰، ص ۱۵۳).

شرط علی‌اول: تغییرات اجتماعی - فرهنگی در عصر دیجیتال

تغییرات اجتماعی - فرهنگی در عصر دیجیتال به‌عنوان شرط علی، منجر به تحولات عمیق در ساختار و کارکرد نهاد خانواده شده است. این تغییرات با دگرگونی در سبک زندگی زوجین آغاز می‌شود، که خود متأثر از نفوذ فناوری‌های نوین ارتباطی در زندگی روزمره است. این دگرگونی، الگوهای تعاملی و مصرف رسانه‌ای را دستخوش تغییر کرده است (بختیاری و نصیری، ۱۴۰۱، ص ۴۹).

تغییرات اجتماعی - فرهنگی در عصر دیجیتال، به تغییر سبک زندگی و مجازی شدن جامعه منجر شده است. گسترش فناوری‌های ارتباطی و ظهور رسانه‌های اجتماعی بر باورها، ارزش‌ها و تصمیم‌گیری‌های افراد تأثیر می‌گذارد. این رسانه‌ها به افراد امکان دسترسی به اطلاعات و آشنایی با فرهنگ‌ها و سبک‌های زندگی متنوع را می‌دهند و موجب شکل‌گیری هویت دیجیتالی منحصربه‌فردی برای هر فرد می‌شوند (احمدی و همکاران، ۱۳۹۷). اکبری نیز در تحقیق خود ارتباط مستقیمی بین عضویت در شبکه‌های اجتماعی و سبک زندگی را مطرح کرده است (اکبری و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۶۶).

وحیده ۲۳ ساله: «فضای مجازی سبک زندگی خانواده‌ها رو خیلی تحت‌الشعاع قرار می‌ده، استفاده زیاد از اون باعث ضرر به اعضای خانواده می‌شه» (تغییر در سبک زندگی)، و گالایل ۳۰ ساله معتقد است: «وقتی که مدتی وارد فضای مجازی می‌شیم، با این روال ناخودآگاه تبدیل به عادت می‌شه، این کارمون باعث می‌شه سبک زندگی مون و سلايقمون خیلی باعث تغییر بشه».

مایکل درین شبکه‌های اجتماعی آنلاین را پدیده‌ای تأثیرگذار برای نسل جدید می‌داند که الگوهای رفتاری خانواده‌ها را تغییر داده و کارکردهای سنتی آنها را تضعیف می‌کند. فضای مجازی به جزء جدایی‌ناپذیر زندگی تبدیل شده و بر تصمیم‌گیری‌ها و روابط خانوادگی تأثیر می‌گذارد، به‌طوری‌که تغییرات اساسی در جنبه‌های مختلف زندگی مانند پوشش و آداب معاشرت قابل مشاهده است (اکبری و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۶۶).

هدیه ۳۳ ساله: «از بین رفتن حیا ی من، عادی شدن روابط زن و مرد، استفاده کردن از خیلی کلماتی که شاید در خانواده من عرف نبود، شبیه زن‌های غربی شده، همه در من رخ داده بود».

تغییرات در الگوهای رفتاری خانواده‌ها با نگرش‌های نوین نسبت به هویت و ارتباطات انسانی همراه است و فضای مجازی امکان شکل‌گیری هویت‌های چندگانه و متعارض را فراهم می‌آورد.

مفهوم «جامعه شبکه‌ای» مانوئل کاستلز برای درک این تغییرات مؤثر است. او بیان می‌کند که شبکه‌ای شدن جامعه باعث بازاندیشی در مفاهیم اقتصاد، فرهنگ، اجتماع و زمان و مکان شده است (عاملی، ۱۳۹۵).

او مفاهیمی مانند «فضای جریان‌ها» و «هویت شبکه‌ای» را معرفی می‌کند که در آنها هویت افراد به‌صورت پویا و مستقل شکل می‌گیرد. این جامعه شبکه‌ای فرصتی برای مشارکت و تعامل فراهم می‌کند، اما چالش‌هایی نیز برای حفظ هویت فردی به همراه دارد (حاتمی و مذهبی، ۱۳۹۰، ص ۸).

الیه ۲۱ ساله: «کسانی که خودشان را در فضای اجتماعی بزرگ کردند، با جمع کردن فالوور، گذاشتن عکس‌های شاخ، عکس‌هایی که غیر خودنمایی هیچ چیز دیگری توش نیست» (هویت نمایشی مجازی).

در این میان، مفهوم حریم خصوصی نیز دستخوش بازتعریف می‌شود. با گسترش شبکه‌های اجتماعی، مرزهای بین حریم خصوصی و عمومی در فضای مجازی مبهم شده و این امر منجر به نقض گسترده حریم خصوصی افراد شده است (محمدی و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۲۹۶).

این مسئله در مصاحبه اکرم ۳۸ ساله این گونه آمده است: «وقتی که حریم شخصی یک سری اطلاعات مون از طریق این شبکه‌ها ارسال می‌کنیم، این خودش باعث به خطر افتادن حریم شخصی من می‌شه».

شبکه‌های اجتماعی با جمع‌آوری و سوءاستفاده از اطلاعات شخصی، ایجاد مزاحمت‌های مجازی و انتشار غیرمجاز اطلاعات، حریم خصوصی را تهدید می‌کنند و به روابط شخصی و اعتماد اجتماعی آسیب می‌زنند. به گفته انصاری و عطار، حریم خصوصی که باید از دسترسی غیرمجاز مصون بماند، توسط شبکه‌های اجتماعی نقض می‌شود و به یکی از چالش‌های مهم عصر دیجیتال تبدیل شده است (انصاری و عطار، ۱۳۹۲).

هدیه ۳۰ ساله از تجربه خودش در مورد مزاحمت‌ها گفته: «خیلی مشکلات برایم پیش آمد و معمولاً مخاطبین مزاحم داشتم که توی pv میومدن مشکلی برایم به وجود می‌آوردند».

این مسئله در مصاحبه زهرا ۲۲ ساله این گونه آمده: «من به خاطر تنهایی و بی‌توجهی به شبکه‌های اجتماعی رو آوردم، اما وقتی وارد این شده‌ام تنهاتر هم شدم، استرسم را دو چندان کرد، بی‌اعتمادی هم را بیشتر کرد».

انزوای اجتماعی، پیامد دیگر این تحولات است که در اثر افزایش استفاده از فضای مجازی و کاهش تعاملات رودررو شکل می‌گیرد.

در مصاحبه هستی ۲۰ ساله آمده: «وقتی زیاد تو فضای مجازی بودم به این فضا اعتیاد داشتم، اغلب تنها بودم و دلم نمی‌خواست از اتاقم بیرون بیام».

مطالعات و تحقیق رابرت کراوت در سال ۲۰۰۱ نشان می‌دهد که استفاده بیش از حد از اینترنت باعث کاهش ارتباطات اجتماعی، افزایش احساس تنهایی و افسردگی می‌شود (صومعه و داداشعلی، ۱۳۹۶، ص ۱۲۱). گمنامی اجتماعی در فضای مجازی، زمینه‌ساز تعاملاتی بدون افشای هویت واقعی است و می‌تواند روابطی فراتر از چارچوب‌های متعارف خانواده ایجاد کند. این ویژگی به کاربران امکان می‌دهد هویت‌های مختلفی را تجربه کرده و از محدودیت‌های هویتی دنیای واقعی رها شوند.

این گمنامی هم فرصت‌هایی مانند حفظ حریم خصوصی و آزمایش هویت‌ها را فراهم می‌کند و هم چالش‌هایی نظیر کاهش اعتبار و اعتماد در تعاملات آنلاین را به همراه دارد (کنعانی و محمدزاده، ۱۳۹۷، ص ۲۲).

این مسئله در مصاحبه هدیّه ۳۳ این‌گونه آمده: «در فضای مجازی چون کسی همدیگه و نمی‌شناسه و طرف میاد می‌گه من خیلی خوشگلم، ولی ممکن است این‌طوری نباشه و طرف یک هیولاست و اصلاً شبیه به چیزی که نشون می‌ده نیست».

شرط علی دوم: چالش‌های کارکردی خانواده متأثر از فضای مجازی

مقوله «چالش‌های کارکردی خانواده متأثر از فضای مجازی» به‌عنوان شرط علی در پژوهش حاضر، بازتاب‌دهنده تغییرات عمیق در ساختار و عملکرد نهاد خانواده در جامعه معاصر است.

کژکارکردی خانواده به وضعیتی اشاره دارد که در آن خانواده قادر به برآورده کردن نیازهای اعضای خود، حل تعارضات و ایجاد روابط سالم نیست. عوامل مختلفی از جمله الگوهای ارتباطی ناسالم، مرزهای نامشخص و فقدان صمیمیت می‌توانند به این وضعیت منجر شوند (کاظمی، ۱۳۸۵؛ Nichols, 1998).

فضای مجازی با تغییر الگوهای تعاملی درون خانواده، می‌تواند کژکارکردی خانواده را تشدید کند. این فضا با ایجاد جامعه مجازی و تغییر سبک زندگی، به‌ویژه در میان جوانان، باعث شده است که خانواده‌ها کارکردهای سنتی خود را از دست بدهند (ساروخانی و شکرپیگی، ۱۳۹۳). زهرا ۳۳ ساله معتقد است: «با گسترش ارتباطات در فضای مجازی دید و بازدید یا صلّه رحم از بین رفته» (کاهش صلّه رحم).

ناآگاهی و عدم مهارت زوجین در حل مسائل خانوادگی متأثر از دنیای مجازی، بعد دیگری از این چالش است. این امر می‌تواند ناشی از تغییرات سریع اجتماعی و عدم انطباق مهارت‌های زوجین با نیازهای جدید باشد. در جامعه‌ای که به سرعت در حال تغییر است، زوجین ممکن است خود را فاقد ابزارهای لازم برای مدیریت مؤثر تعارضات و چالش‌های نوظهور ببینند (شجاعی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۵۶۴). اکرم ۳۸ ساله در مصاحبه خود گفته: «از واتساپ ارتباط داشتیم که به فضای حقیقی رسید و حالا دوباره بعد از دلزدگی ارتباطات جدید و اشتباه مجازیم دچار مشکل شده بودم، واقعاً حالم بد بود، همش با همسرم دعوا می‌شد و اصلاً نمی‌تونستیم مشکلاتمون را حل کنیم».

هدفمند نبودن زندگی برای زوجین در فضای مجازی، نشان‌دهنده بحران معنا در زندگی خانوادگی است. این مسئله می‌تواند ناشی از تغییر در ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی باشد که به‌نوبه خود متأثر از گسترش فضای مجازی و تنوع الگوهای زندگی ارائه‌شده در این فضا است. فقدان هدف مشترک می‌تواند انسجام خانواده را تضعیف کند (محمدی، ۱۴۰۱، ص ۳۰). منصوره ۲۹ ساله معتقد است: «می‌تونه آسیب روحی داشته باشه، درگیری ذهنی ایجاد کند و بعضی مواقع به افسردگی کشیده بشه و حتی بعد از اون پرخاشگری باشه و خلق آدم تنگ بشه، اعصاب آدم خورد بشه، زود رنج بشی و همه اینها در صورت استفاده نادرست از فضای مجازی ایجاد می‌شه».

عدم توجه اعضای خانواده به نیازهای یکدیگر در عصر دیجیتال، بازتاب‌دهنده فردگرایی فزاینده در جامعه مدرن است. در مصاحبه دلارام ۲۳ ساله آمده: «اما مدتی است که از وقتی از چیزی ناراحت می‌شم دوست دارم تنها باشم تا بگردم تا بتوانم به حالت قبلی خودم برگردم و وارد فضای مجازی می‌شم».

اختلالات عاطفی اعضا و یا طلاق عاطفی حاصل زندگی در دنیای مجازی، نتیجه نهایی این چالش‌های کارکردی است. این پدیده نشان‌دهنده شکاف عاطفی بین اعضای خانواده است که می‌تواند ناشی از کاهش تعاملات معنادار و افزایش وابستگی به ارتباطات مجازی باشد. طلاق عاطفی، به عنوان شکل پنهان‌تری از فروپاشی خانواده، می‌تواند پیش‌درآمد طلاق قانونی باشد و نشان‌دهنده عدم موفقیت خانواده در ایفای نقش عاطفی خود است (محمدی و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۲۹۴). فریا ۲۶ ساله از تجربه خودش در این زمینه گفته: «مشکلاتی مثل دور شدن اعضای خانواده از یکدیگر، شکل‌گیری فاصله عاطفی بین اعضای خانواده، کاهش مراوده و گفت‌وگوی صمیمی‌تر بین اعضای خانواده را برامون ایجاد کرده».

دسترسی و استفاده مداوم از شبکه‌های اجتماعی مجازی باعث کاهش روابط خانوادگی و تضعیف ارزش‌های آن می‌شود (ویندال، ۱۳۸۷).

بستر (زمینه): جذابیت‌ها و قابلیت‌های شبکه‌های اجتماعی

بستر یا زمینه، مجموعه مشخصه‌های ویژه‌ای است که به پدیده مورد نظر دلالت می‌کند؛ یعنی محل حوادث و وقایع متعلق به پدیده. بستر نشانگر مجموعه شرایط خاصی است که در آن راهبردهای کنش و واکنش صورت می‌پذیرد (استراس، کوربین، ۱۳۹۰، ص ۱۵۲).

جذابیت‌ها و قابلیت‌های شبکه‌های اجتماعی به عنوان عامل زمینه‌ساز، در تأثیرگذاری حضور زنان در فضای مجازی بر روابط خانوادگی نقش کلیدی دارند. این شبکه‌ها با ساختار و کارکردهای متنوع خود، نیازهای روانی، اجتماعی و اطلاعاتی کاربران را پاسخ می‌دهند. طبق مطالعه Chen و Zhu (۲۰۱۵)، فضای مجازی نیازهای مختلفی مانند ارتباط با دیگران، محبوبیت، خودنمایی، یادگیری، تفریح و خودمختاری را تأمین می‌کند (Zhu, Chen, 2015, p. 338).

در جامعه شبکه‌ای امروز، رسانه‌های اجتماعی با محتوای متنوع برای همه سلايق و سنین رشد کرده‌اند. کاربران از گروه‌های مختلف، بر اساس علایق خود محتوا تولید یا باز نشر می‌کنند. کاستلر معتقد است انسان‌ها از طریق تعامل با این ساختارها به آنها معنا می‌بخشند که به صورت فرهنگی تجلی می‌یابد (کاستلر، ۱۳۹۳، ص ۸۳).

در این جامعه، رفتار کاربران تحت تأثیر ویژگی‌های خاص ساختار شبکه‌ای است و افراد تمایل دارند با کسانی که علایق و سوابق مشابه دارند، ارتباط برقرار کنند (خجیر، ۱۳۹۳، ص ۱۱۶). نظریه استفاده و رضایتمندی کاتز و بلومر (۱۹۵۹) نیز بر نقش فعال مخاطب در انتخاب رسانه تأکید می‌کند (رسول‌زاده اقدم، ۱۳۹۳). این نظریه بیان می‌کند

که افراد برای رفع نیازهای خود به رسانه‌ها روی می‌آورند و میزان رضایت آنها به تطابق محتوای رسانه با نیازهایشان بستگی دارد. طبق الگوی کاتز و بلومر، عوامل اجتماعی و روان‌شناختی منجر به ایجاد نیازها و انتظارات متنوع از رسانه‌ها می‌شود (سیف درخشنده و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۱۳۹).

شرایط مداخله‌گر: شرایط ساختاری که به پدیده‌محوری تعلق دارند و بر راهبردهای کنش و واکنش اثر می‌گذارند. آنها راهبردها را در درون زمینه خاصی سهولت می‌بخشند و یا آنها را محدود و مقید می‌کنند (استراس، کوربین، ۱۳۹۰، ص ۱۵۵).

انگیزه‌های روانی - اجتماعی به‌عنوان عامل کلیدی در گرایش زنان به شبکه‌های اجتماعی و تأثیرات متعاقب آن بر پویایی خانواده مطرح است. بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که کارکرد جبرانی این شبکه‌ها در قالب گریز از تنهایی و واقعیت‌های محیطی تجلی می‌یابد. این پدیده عمدتاً ریشه در احساس انزوای اجتماعی و عدم رضایت از تعاملات حضوری دارد. شبکه‌های اجتماعی، به‌ویژه برای زنانی که در چارچوب نقش‌های سنتی خانگی محصور شده‌اند، بستری برای گسترش دامنه تعاملات اجتماعی فراهم می‌آورند.

ژاله ۳۲ ساله و خانه‌دار در تجربه‌ای مشابه در مصاحبه خود گفته: «به خاطر مشکلاتم و احساس تنهایی شدیدی که داشتم با جنس مخالف خود وارد رابطه شدم و الان بیشتر افسرده و شکست‌خورده هستم».

عائلی و تاجیک (۱۴۰۱) در پژوهش خود دریافتند که تنهایی عاطفی و اجتماعی در مجموع قادر به پیش‌بینی حدود ۴۸٫۲ درصد از گرایش به استفاده از شبکه‌های اجتماعی است. ویژگی‌های فضای مجازی مانند جهانی بودن، تنوع، آزادی ارتباطات، سهولت دسترسی، گمنامی کاربران و امکان گریز از واقعیت، به‌ویژه برای نوجوانان جذابیت دارد (عائلی و تاجیک، ۱۴۰۱).

در این فضا، افراد می‌توانند با گروه‌های همفکر ارتباط برقرار کرده و احساس تعلق پیدا کنند. طبق پژوهش‌ها، عواملی مانند احساس تنهایی، مدت زمان استفاده، گرایش به دوست‌یابی موقت، تنوع‌گرایی، اعتقادات مذهبی، هزینه کم و ناشناس بودن از دلایل گرایش به اینترنت هستند (پردنجانی، سعیدزاده، ۱۳۹۱، ص ۱۱). رهایی از مسائل و مشکلات دنیای واقعی، نشان‌دهنده کارکرد گریزگاهی فضای مجازی است (حسینی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۲۵). برای زوجینی که با چالش‌های متعدد در نقش‌های خانوادگی مواجه هستند، فضای مجازی می‌تواند فرصتی برای رهایی موقت از این فشارها باشد. این امر، اگرچه ممکن است در کوتاه‌مدت تسکین‌دهنده باشد؛ اما می‌تواند در بلندمدت به تشدید مشکلات خانوادگی منجر شود.

زهره ۳۳ ساله: «فقط کاش اطرافیان از جهنم کردن زندگی واقعی دست برمی‌داشتند، تا ما مجبور نباشیم به آغوش فضای اجتماعی بریم».

افزایش نارضایتی از زندگی به دلیل مقایسه با دیگران، بازتاب‌دهنده اثر دوگانه و متضاد شبکه‌های اجتماعی است. فضای مجازی با ارائه تصویری ایدئال و گاه غیرواقعی از زندگی دیگران، می‌تواند منجر به احساس محرومیت نسبی و نارضایتی از زندگی شخصی شود؛ چون رضایت زناشویی جای وجود دارد که وضعیت موجود با وضعیت مورد انتظار یکسان باشد (محمدی، ۱۴۰۱، ص ۳۱). برای زنان، این مقایسه می‌تواند به‌ویژه در حوزه‌هایی چون روابط زناشویی، موفقیت‌های شغلی یا سبک زندگی تأثیرگذار باشد و منجر به تنش در روابط خانوادگی شود.

هیدیه ۳۰ ساله: «اثرات مخرب در زندگی‌م دیدم؛ چون نوعی زندگی‌مقایسه‌ای ایجاد می‌کند»؛ همچنین مهلا ۲۲ ساله هم گفته: «باعث شد خودمو با دیگران خیلی مقایسه کنم و تبدیل به فرد خشمگینی شدم».

فقر سواد رسانه‌ای به‌عنوان عامل مداخله‌گر، نقش مهمی در آسیب‌پذیری زنان در فضای مجازی دارد. فقدان مهارت‌های لازم برای تحلیل، ارزیابی و تولید محتوا می‌تواند به سوءتفاهم و عدم اعتماد در روابط زناشویی منجر شود. سارا ۲۵ ساله: «مثل پیکرتراشی‌ها و عمل‌های زیبایی مثلاً هشتگ‌ها یا بی‌سواد یا هشتگ می‌زنه یا ملت دنبال اون میرن و این به خاطر بی‌اطلاع بودن».

کژکارکرد سلبریتی‌ها و گروه‌های مرجع به‌عنوان عامل مداخله‌گر و تسهیل‌کننده، تأثیر قابل‌توجهی بر نگرش‌ها و رفتارهای افراد، به‌ویژه جوانان دارند. الگوبرداری از آنها می‌تواند نگرش‌ها نسبت به روابط زناشویی را تغییر داده و حضور در فضای مجازی را افزایش دهد.

هیدیه ۳۰ ساله: «وقتی زندگی سلبریتی‌های را می‌بینم، خب وقتی می‌بینم چه‌قدر پول دار هستند و چه‌قدر خوش می‌گذرونن، چه لباس‌هایی می‌پوشند، دچار افسردگی می‌شوی».

پیامدها: نتایجی که در اثر راهبردها پدیدار می‌شود. پیامدها نتایج و حاصل کنش‌ها و واکنش‌ها هستند. پیامدها را همواره نمی‌توان پیش‌بینی کرد و الزاماً همان‌هایی نیستند که افراد قصد آن را داشته‌اند (اشتراوس و کرین، ۱۳۹۰، ص ۱۵۰).

در پژوهش حاضر سه دسته پیامدهای فردی، خانوادگی و اجتماعی استخراج و بازنمایی شده است.

پیامدهای فردی: پیامدهای روانی و جسمی در اثر حضور در فضای مجازی

پیامدهای روانی و جسمی حضور در فضای مجازی، نشان‌دهنده تحولات عمیق در ساختارهای اجتماعی و الگوهای ارتباطی است. طبق نظریه وابستگی رسانه‌ای بال روکیچ و دی فلور (۱۹۷۶)، وابستگی به دنیای مجازی می‌تواند ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری کاربران را تحت تأثیر قرار دهد (تامپسون، ۱۳۸۰، ص ۱۴). این فضا با تأثیر بر هویت اجتماعی و خودپنداره افراد، باعث کاهش اعتمادبه‌نفس و افزایش افسردگی می‌شود و معیارهای جدیدی برای ارزیابی خود و دیگران ایجاد می‌کند که اغلب با واقعیت‌های روزمره در تضاد است.

پیامدهای اجتماعی: چالش‌های ارزشی و هنجاری به واسطه فضای مجازی

تامپسون معتقد است که شبکه‌های اجتماعی مجازی سه نوع تعامل: تعامل چهره‌به‌چهره، تعامل رسانه‌ای و شبه تعامل رسانه‌ای را دربرگرفته و بستری برای کنشگران با هویت‌های مختلف فراهم می‌آورد که به تغییرات مهمی در نگرش و الگوهای ذهنی افراد منجر می‌شود (تامپسون، ۱۳۸۰).

حضور در فضای مجازی، به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی، موجب تحولات عمیق در ساختارهای اجتماعی و فرهنگی شده است. این تحولات باعث تقابل ارزش‌های سنتی و مدرن و تضعیف الگوهای خانوادگی شده و نقش‌های جنسیتی و ساختار قدرت را بازتعریف کرده است. اندیشه‌های فمینیستی و تغییر نگرش‌های جنسیتی بر روابط زناشویی تأثیر گذاشته و با کاهش اعتماد اجتماعی و تغییر هنجارهای همسرگزینی، پایداری ازدواج‌ها را تهدید می‌کند؛ همچنین تضعیف دین‌داری و فرهنگ حجاب، چالش‌های فرهنگی - مذهبی را افزایش داده و تنش‌های بین‌نسلی را شدت بخشیده است. نیلوفر ۲۶ ساله می‌گوید: «دیگه پوشش مناسب نداشتم فقط تو مد و لباس و تجملات و رفیق بازی و این‌جور چیزها بودم که خیلی منو به دردرس انداخت و باعث خیلی از گرفتاری‌های آینده من شد».

ظهور جرایم سایبری و رشد تجمل‌گرایی، اشکال جدیدی از آسیب‌های اجتماعی را پدید آورده که امنیت و ثبات اقتصادی - روانی خانواده‌ها را در معرض خطر قرار می‌دهد؛ همچنین فضای مجازی با ایجاد مقایسه‌های نادرست میان ظاهر زندگی دیگران و باطن زندگی فردی، بر خودپنداره و رضایت از زندگی تأثیر منفی گذاشته و ناهماهنگی شناختی و تنش‌های روانی - اجتماعی را به دنبال دارد.

زهرا ۳۳ ساله می‌گوید: «هرچی گذشت اعتمادبه‌نفسم کمتر شد؛ چون خودمو مقایسه می‌کردم و می‌گفتم در برابر دیگران هیچی ندارم».

پیامدهای خانوادگی: «دگرگونی روابط، ساختار و کارکردهای خانواده»

پیامدهای خانوادگی و دگرگونی روابط و ساختار خانواده در اثر حضور در شبکه‌های اجتماعی مجازی، نشان‌دهنده تحولات عمیق در نهاد خانواده است.

سست شدن شبکه روابط خانوادگی و کاهش تعاملات حضوری، نشان‌دهنده تغییر در الگوهای ارتباطی درون خانواده است. این امر می‌تواند منجر به کاهش انسجام خانوادگی و تضعیف پیوندهای عاطفی بین اعضای خانواده شود. انزوای اجتماعی، پیامد دیگری است که می‌تواند ناشی از جایگزینی روابط مجازی به‌جای تعاملات واقعی باشد و بر سلامت روانی اعضای خانواده تأثیر منفی بگذارد.

پاتنام معتقد است رشد تکنولوژی و رسانه‌های اجتماعی عامل اصلی انزوای تربیتی امریکایی‌ها و کاهش سرمایه اجتماعی است. به باور او، فناوری با خصوصی کردن تجربه‌ها و ایجاد جامعه‌ای متفرق، حفظ روابط سنتی و خانوادگی را به‌ویژه برای نسل جوان دشوار کرده است (ساروخانی و شکرپیگی، ۱۳۹۳).

کاهش تعهدات اعضای خانواده، نشان دهنده تغییر در مفهوم مسئولیت پذیری و وظایف خانوادگی است. قبح زدایی از روابط فرازناشویی، بیانگر تغییر در هنجارهای اخلاقی مرتبط با وفاداری زناشویی است که می تواند تهدیدی جدی برای ثبات خانواده باشد. استفاده از اینترنت می تواند موجب سهولت خیانت در روابط زناشویی، شکاف میان نسل ها، کاهش تعامل افراد خانواده با یکدیگر، نارضایتی از زندگی مشترک، بالا رفتن انتظارات از یکدیگر و... بشود (برون، ۲۰۲۰).

دلارام ۲۳ ساله می گوید: «من با خانواده ام رابطه عالی داشتم، اما وقتی وارد فضای مجازی شدم پابندیم به خانواده کمتر شد و در شبکه های اجتماعی گرفتار شدم». دلارام از خیانت همسرش می گوید: «دیدن پیام هاش و حرف هاش و عکس هایی که ردوبدل می کردن، دیگه برام عادی شده بود تا اینکه متوجه شدم قرارم می گذاره».

خشونت خانوادگی از پیامدهای تنش های ساختاری و ارتباطی در خانواده است و کاهش تمایل به فرزندآوری نشانگر تغییر در ارزش هاست. خانواده مجازی که وابسته به دنیای مجازی است، بر روابط درون خانوادگی تأثیر گذاشته و منبع اصلی کسب اطلاعات خانواده ها شده است. ژاله ۳۲ ساله: «من گاهی که زیاد از حد تو فضای مجازی وقت می دارم متوجه می شم که رفتارم با بقیه در دنیای حقیقی عوض می شه و حواسم شش دنگ به اطرافم نیست یا عصبی و پرخاشگر شدم».

فضای مجازی تدریجاً تعاملات چهره به چهره را با تعاملات واسطه ای جایگزین می کند و ممکن است به زوال اجتماعات واقعی منجر شود. شبکه های اجتماعی مجازی بستری برای تعامل کنشگران با هویت های مختلف فراهم می آورند که نگرش ها و الگوهای ذهنی افراد را تغییر می دهد. پاتنام فناوری های رسانه ای را عامل اصلی تن آسایی و انزوای تدریجی می داند، که به تحلیل سرمایه اجتماعی و دشواری حفظ روابط سنتی و خانوادگی منجر می شود، به ویژه در میان نسل جوان (ساروخانی و شکرپیگی، ۱۳۹۳). تغییر نگرش ها نسبت به نقش های جنسیتی تحت تأثیر معرفت «بازاندیشانه» قرار گرفته است. کاستلز معتقد است که گسترش ارزش های مدرن و افزایش تعامل بین دو جنس از طریق فضای مجازی ممکن است زوجین را از تعهدات اصلی زناشویی غافل کند (کاستلز، ۱۳۸۰).

اعتیاد به اینترنت به عنوان استفاده بیش از حد از اینترنت تعریف شده است، به طوری که منجر به اختلال در وضعیت روان شناختی فرد در هر دو بعد ذهنی و هیجانی و همچنین تعاملات تحصیلی شغلی و اجتماعی آنها می شود (خانزاده و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۷۹۸).

عطیه ۳۵ ساله می گوید: «وارد رابطه با آدمی شدم که آدم درستی نبود و بهم دروغ گفته بود و در نهایت بهم ضربه زد و آدمای نادرستی سرارهم قرار گرفتن کلاً و از نظر روحی بهم ریختم».

به اعتقاد برخی، وابستگی به شبکه های اجتماعی باعث افزایش ازدواج اینترنتی، طلاق و ازهم پاشیدگی خانواده در کشورهایی مانند امریکا و انگلیس شده است.

نیلوفر ۲۶ ساله می‌گوید: «اگر مدیریت نشود زندگی‌های زیادی را نابود می‌کند و طلاق‌ها و ارتباط نامشروع و بسیاری از دوستی‌های ناباب به خاطر همین».

راهبردها: فردگرا شدن و گسست از هویت و نقش‌های جنسیتی

راهبردها: راهبردها مبتنی بر کنش‌ها و واکنش‌هایی برای کنترل، اداره و برخورد با پدیده مورد نظر هستند. راهبردها مقصود داشته، هدفمند است و به دلیلی صورت می‌گیرد (اشتراوس و کریین، ۱۳۹۰، ص ۱۵۴).

راهبردهای فردگرا شدن و گسست از هویت و نقش‌های جنسیتی در جامعه در حال گذار ایران، تحول عمیقی در ساختار هویتی و اجتماعی، به‌ویژه برای زنان، نشان می‌دهد. فضای مجازی امکان بازاندیشی در هویت‌های سنتی و نقش‌های جنسیتی را فراهم می‌کند و به گفته هیو میلر، فرصتی برای کشف چالش‌های فرهنگی جدید و تغییر هویت است (خانیکی و بابایی، ۱۳۹۰، ص ۱۵).

کدگذاری انتخابی یا گزینشی در قالب خط داستان

کدگذاری انتخابی، کدگذاری محوری را در سطحی انتزاعی‌تر ادامه می‌دهد و به شکل‌گیری پیوندها بین دسته‌بندی‌ها می‌پردازد (فلیک، ۱۳۸۷، ص ۳۳۷). کدگذاری انتخابی یا گزینشی، پژوهشگر یک مقوله هسته‌ای را انتخاب کرده و آن را به‌طور سیستماتیک با سایر مقوله‌ها مرتبط می‌سازد (استراس و کورین، ۱۳۸۵، ص ۱۱۸).

خط داستانی (Storyline)

آن‌گونه که تجربه زیسته زنان متأهل شهر قم در خصوص استفاده آسیب‌زای از شبکه‌های اجتماعی مجازی بازنمایی شده است، در بستر جامعه در حال گذار ایران و در عصر دیجیتال، خانواده‌های ساکن قم با پدیده‌ای نوظهور به نام «تحول الگوهای فرهنگی و ارزشی روابط زوجین» مواجه شده‌اند، که ناشی از حضور در شبکه‌های اجتماعی مجازی است. این پدیده شامل ابعادی چون تغییر در روابط عاطفی زوجین، نگرش‌های خانوادگی، تمایلات جنسی و ایفای نقش‌های خانوادگی می‌شود و به‌واسطه تحولات اجتماعی - فرهنگی و چالش‌های کارکردی خانواده ناشی از فضای مجازی، زندگی زوجین را دستخوش تغییرات بنیادین کرده است.

زوجین قمی در این فضای متحول، با تغییرات گسترده سبک زندگی، نگرش نسبت به هویت و ارتباطات انسانی و حریم خصوصی روبه‌رو هستند. این وضعیت همچنین منجر به انزوای اجتماعی و چالش‌های جدیدی در کارکردهای خانواده، حل مسائل خانوادگی و تأمین نیازهای یکدیگر شده است. این تغییرات که ریشه در شرایط علی عمیق‌تری دارند، به‌طور کژکارکردهایی در نهاد خانواده منجر شده‌اند.

جذابیت‌ها و قابلیت‌های شبکه‌های اجتماعی، به‌عنوان شرایط زمینه‌ای مساعد، نقش مهمی در این تحولات ایفا می‌کنند. تنوع محتوایی و سهولت دسترسی، زوجین را به سمت این فضاها سوق می‌دهد. این گرایش، با انگیزه‌های روانی - اجتماعی مانند گریز از تنهایی، نارضایتی از دنیای واقعی و همرنگی با جماعت مجازی، تشدید می‌شود.

شرایطی چون فقر سواد رسانهای، عدم نظارت بر مصرف مجازی، تأثیر سلبریتی‌ها و ناکارآمدی قوانین جرایم سایبری، روند تحولات خانواده‌ها در قم را تسریع می‌کند. زوجین در واکنش به این شرایط، راهبرد فردگرایی و گسست از هویت‌های جنسیتی سنتی را اتخاذ می‌کنند. این راهبردها شامل کاهش تعاملات حضوری، شکل‌گیری روابط خارج از خانواده و تغییر در الگوهای رفتاری و ارزشی مانند تغییر حجاب، سستی در اعمال دینی و کاهش ارتباطات عاطفی با همسر است. پیامدهای این فرآیند در سه سطح فردی، اجتماعی و خانوادگی قابل مشاهده است. در سطح فردی، زوجین با وابستگی به دنیای مجازی، کاهش اعتماد به نفس و افسردگی روبه‌رو می‌شوند. در سطح اجتماعی، چالش‌هایی نظیر سست شدن ارزش‌های خانوادگی و کاهش اعتماد اجتماعی به وجود می‌آید.

در سطح خانوادگی، دگرگونی‌هایی همچون سست شدن شبکه روابط، انزوای اجتماعی، کاهش همدلی و تفاهم، افزایش خشونت خانوادگی و کاهش تمایل به فرزندآوری مشاهده می‌شود که عمیقاً بر روابط خانوادگی تأثیر می‌گذارد.

بحث و نتیجه‌گیری

در جامعه‌ای در حال گذار از سنت به مدرنیته، تغییرات عمیق اجتماعی - فرهنگی به چالش‌های کارکردی خانواده دامن می‌زنند و تحولات گسترده‌ای در روابط خانوادگی به وجود می‌آورند. این پژوهش نشان می‌دهد که حضور در شبکه‌های اجتماعی مجازی تأثیرات چندبعدی بر روابط زوجین دارد و موجب «تحول الگوهای فرهنگی و ارزشی روابط» در بستر تغییرات عصر دیجیتال می‌شود.

بر اساس نظریه «مدرنیته سیال» باومن، دگرگونی‌های ناشی از فضای مجازی به بی‌ثباتی و سیالیت در روابط انسانی منجر می‌شود، الگوهای ارتباطی و عاطفی زوجین را تغییر داده و ارزش‌های سنتی خانواده را به چالش می‌کشد. بر حسب نظریه «کنش متقابل نمادین» مید می‌توان گفت امروزه فضای مجازی معانی و نمادهای جدیدی در روابط زوجین ایجاد کرده و به بازتعریف نقش‌ها و انتظارات در خانواده می‌انجامد. پیامدهای این تغییرات در سطوح فردی، اجتماعی و خانوادگی شامل وابستگی به دنیای مجازی، سست شدن ارزش‌های خانوادگی و تغییر ساختار خانواده است. سست شدن ارزش‌های سنتی و افزایش فردگرایی می‌تواند به آنومی در نهاد خانواده منجر شود، که بحران‌های هویتی و اجتماعی را به همراه دارد. زنان با اتخاذ راهبردهای فردگرایانه برای بازتعریف هویت خود، پیامدهایی نظیر افسردگی فردی و افزایش جرایم سایبری را تجربه می‌کنند. این روابط به صورت متقابل یکدیگر را تقویت می‌کنند و نیاز به مداخله در سطح خانواده و جامعه را ضروری می‌سازند. توجه به سواد رسانهای و تقویت مهارت‌های ارتباطی در خانواده‌ها برای مواجهه با این چالش‌ها ضروری است. این تحولات نه تنها ساختار خانواده؛ بلکه بنیان‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

فراتر از پیامدهای آشکار، تحولات ناخواسته و بلندمدتی نیز در راه است: «بحران هویت بین‌نسلی»، «انقلاب جنسی خاموش»، «فردیت بحران‌زده»، افراط در فردگرایی و گسست از ساختارهای سنتی، «مادری و پدری

مجازی» و «مصرف‌زدگی خانوادگی» از این جمله‌اند. حتی مفاهیم بنیادینی چون مادری و پدری در حال تغییر به سمت «تربیت مجازی» هستند. در این میان، «مصرف‌زدگی خانوادگی» می‌تواند جایگزین روابط عمیق شود.

در این الگوی پیچیده و چندلایه، فناوری‌های ارتباطی به مثابه یک «کوسیستم موازی» عمل می‌کنند که در آن، هویت‌ها، ارزش‌ها و روابط، بازتعریف و بازساخت می‌شوند. این تغییرات، نه تنها ساختار خانواده؛ بلکه بنیان‌های عمیق فرهنگی، اجتماعی و حتی روان‌شناختی جامعه را دگرگون می‌کند.

تحولات دیجیتال و گسترش شبکه‌های اجتماعی، ضرورت سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و آموزش مهارت‌های زندگی را برای تقویت بنیان خانواده برجسته می‌سازد. ارتقای سواد رسانه‌ای، تقویت مهارت‌های ارتباطی زوجین از راهکارهای مؤثر است.

در حوزه علمی، توسعه مدل‌های نظری، ابزارهای سنجش نوین، و مطالعات تطبیقی بین فرهنگ‌ها و نسل‌ها، به همراه بررسی پیامدهای مثبت شبکه‌های اجتماعی، می‌تواند درک بهتری از پویایی‌های خانوادگی در عصر دیجیتال فراهم کرده و به تقویت نهاد خانواده کمک کند.



منابع

- احمدی، جمیله، بهدانی، شیما و محمدی‌زاده، علیرضا (۱۳۹۷). تأثیر فضای مجازی بر تغییر باورها و سبک زندگی. *ششمین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روان‌شناسی، آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران*. تهران.
- احمدی علی، امید و پوررضا کریم‌سرا، ناصر (۱۳۹۲). تهدیدهای خانواده و تقابل سنت و مدرنیسم. *کتاب ماه علوم اجتماعی*، ۶۴ (۱۶۱)، ۱۲-۲۱.
- استراوس و کربین (۱۳۹۰). *مبانی پژوهش کیفی - فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*. ترجمه ابراهیم افشار. تهران: نی.
- افراسیابی، محمدصادق (۱۳۹۲). *مطالعات شبکه‌های اجتماعی مجازی و سبک زندگی جوانان*. تهران: سیمای شرق.
- اکبری، تقی، هاشمی، جواد، کاظمی، سلیم، جاویدپور، مرتضی و متولی کسمایی، مریم (۱۳۹۹). تبیین تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر سبک زندگی جوانان (مورد مطالعه: جوانان شهر اردبیل). *پژوهش‌های ارتباطی*، ۲۷ (۳)، ۵۹-۸۱.
- امیرییک، مرضیه و بابایی، محمود (۱۴۰۲). تحلیل بر رابطه هویت جنسیتی جوانان با استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی. *رهپویه ارتباطات و فرهنگ*، ۱۳ (۱)، ۱۸-۷.
- انصاری، باقر و عطار، شیما (۱۳۹۲). *حريم خصوصی در فضای مجازی. پژوهش‌های حقوقی*، ۱۲ (۲۳)، ۱۱۳-۱۳۷.
- بختیاری، آمنه و نصیری، بهاره (۱۴۰۱). تحلیل کیفی و کمی سبک زندگی خانواده دیجیتال در شهر تهران (آینده‌پژوهی). *رهپویه ارتباطات و فرهنگ*، ۱۳ (۱)، ۴۷-۶۸.
- برون، مهرداد (۲۰۲۰). فضای مجازی و آسیب‌های آن در خانواده. *Pure Life*، ۶ (۲۰)، ۷۹-۱۰۷.
- بهادری، مریم و ملکیان نوروز هاشم زهی، نازنین (۱۴۰۰). ارتباط فضای مجازی و طلاق عاطفی همسران. *پژوهش‌های جامعه‌شناختی*، ۱۵ (۲)، ۲۱۸-۲۰۱.
- پاک‌خصال، اعظم، سیف‌اللهی، سیف‌الله و میرزایی، خلیل (۱۳۹۸). شبکه‌های اجتماعی مجازی و روابط همسران، مطالعه کیفی روابط همسران و پیامدهای منفی استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی در شهر تهران. *پژوهش‌های اجتماعی - انتظامی زنان و خانواده*، ۱۷ (۱)، ۴۸-۶۱.
- تامپسون، جان بروکشایر (۱۳۸۰). *نظریه اجتماعی رسانه‌ها*. ترجمه مسعود اوحدی. تهران: سروش.
- حاتمی، محمدرضا و مذهبی، سارویه (۱۳۹۰). رسانه و نگرش زنان به هویت جنسیتی خود. *تحقیقات فرهنگی ایران*، ۱۴ (۲۴)، ۱۸۵-۲۰۹.
- حسینی، نیکو، اسدی، مسعود و حجازی، مسعود (۱۳۹۹). واکاوی علل گرایش جوانان شهر زنجان به شبکه‌های اجتماعی مجازی: یک مطالعه پدیدارشناسانه. *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ۱۹ (۴۹)، ۹-۳۲.
- حضرتی صومعه، زهرا و داداشعلی، ملیحه (۱۳۹۶). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر انزوای اجتماعی دانشجویان (مورد مطالعه: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی). *توسعه اجتماعی*، ۱۲ (۲)، ۱۰۹-۱۴۲.
- حیدری، آرمان و دهقانی، حمیده (۱۳۹۳). شناسایی کیفی پدیده تعارض خانواده - کار و چگونگی مدیریت آن در بین زنان معلم متأهل شهر دلوآر. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۷ (۷۳)، ۱۵-۴۰.
- حیدری، حسین (۱۴۰۰). بررسی مقایسه‌ای تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر روابط زناشویی با تأکید بر جنسیت. *پژوهش‌های ارتباطی*، ۲۸ (۴)، ۱۳۳-۱۶۳.
- خانزاده، حسین، ابراهیمی، شهربانو، خداکرمی، فائزه و حصیرچمن، احیا (۱۳۹۸). تأثیر آموزش از طریق بازی‌های حرکتی بر یادگیری مفاهیم و علاقه به ریاضی دانش‌آموزان دیرآموز. *علوم روان‌شناختی*، ۱۸ (۷۹)، ۷۹۷-۸۰۶.
- خانیکی، هادی و بابایی، محمود (۱۳۹۰). فضای سایبر و شبکه‌های اجتماعی. *جامعه اطلاعاتی*، ۱۱ (۱)، ۷۱-۹۶.

- خجیر، یوسف (۱۳۹۳). شبکه‌های اجتماعی ایرانی و خانواده ایرانی. مجموعه مقالات ششمین کنگره خانواده‌پژوهی. پژوهشگاه خانواده. دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- رسول‌زاده اقدم، صمد، عدلی‌پور، صمد، میرمحمدتبار، سیدمحمد و افشار، سیمین (۱۳۹۴). تحلیل نقش رسانه‌های اجتماعی در گرایش به سبک زندگی نوین در بین جوانان ایرانی. پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، ۴(۶)، ۳۳-۶۰.
- رضایی‌نسب، زهرا، فیض‌اللهی، علی و کشاورز، مریم (۱۴۰۲). شبکه‌های مجازی و گسست زندگی زناشویی: مطالعه کیفی تجربه زیسته زنان مطلقه ایلام. زن در توسعه و سیاست، ۲۱(۲)، ۴۴۵-۴۷۹.
- ساروخانی، باقر و شکرگیری، عالیه (۱۳۹۳). جامعه‌شناسی ارتباطات در جهان معاصر. تهران: بهمن برنا.
- سمیعی، محمد (۱۳۹۵). خانواده در بحران. تهران: اطلاعات.
- سورین، ورنر. جی. و تانکارد، جیمز (۱۳۹۸). نظریه‌های ارتباطات. ترجمه علیرضا دهقان. تهران: دانشگاه تهران.
- سیف درخشنده، سعید، عطادخت، اکبر، حاجلو، نادر و میکاییلی، نیلوفر (۱۴۰۰). مدلیابی گرایش دانش‌آموزان به فضای مجازی بر مبنای عوامل فردی، زمینه‌ای و محیطی: ارزیابی پیامدهای روان‌شناختی آن. مطالعات روان‌شناسی تربیتی، ۱۸(۴۴)، ۱۳۵-۱۵۳.
- شجاعی جشوقانی، ریحانه، احمدی، احمد، جزایری، رضوان السادات و اعتمادی، عذرا (۱۳۹۶). شناسایی و مقایسه آسیب‌های برآمده از فضای مجازی در روابط بین زوجین (مطالعه موردی در شهر اصفهان). خانواده‌پژوهی، ۱۳(۴)، ۵۵۱-۵۶۸.
- شعاع کاظمی، مهرانگیز (۱۳۸۵). خانواده و آسیب‌های روانی موجود در آن. معرفت، ۹۴، ۳۳-۳۰.
- عاملی، سعید رضا (۱۳۹۵). مطالعات جهانی شدن: دوفضایی شدن‌ها و دوج جهانی شدن‌ها. تهران: سمت.
- عائلی، آرزو و تاجیک اسماعیلی، سمیه (۱۴۰۱). نقش احساس تنهایی در گرایش به استفاده از شبکه‌های اجتماعی در میان دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه شهر تهران. خانواده و پژوهش، ۱۹، ۹۳-۱۱۰.
- فلیک، اووه (۱۳۸۷). درآمدی بر تحقیق کیفی. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نی.
- قاراخانی، معصومه (۱۳۹۴). شاخص‌های سنجش وضعیت خانواده، مبنایی برای سیاست‌گذاری اجتماعی. مطالعات جامعه‌شناختی (نامه علوم/اجتماعی)، ۲۲(۲)، ۱۲۵-۱۴۹.
- کرایب، یان (۱۳۸۱). نظریه اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس. ترجمه عباس مخبر. تهران: آگه.
- کاستلز، امانوئل (۱۳۸۳). جامعه شبکه‌ای و هویت جدید. ترجمه محمدرضا معینی. تهران: مجلس و پژوهش.
- کنعانی، محمد امین و محمدزاده، حمیده (۱۳۹۷). مطالعه گمنامی در روابط اینترنتی و عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر آن. جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۹(۲)، ۱۷-۳۸.
- گال، مردیت، بورگ، والتن و گال، جوی (۱۳۹۵). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی. ترجمه احمدرضا نصر و همکاران. تهران: سمت.
- گیدنز (۱۳۸۷). تجدد و تشخیص. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نی.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۰). روش تحقیق کیفی ضرورش ۲. تهران: جامعه‌شناسان.
- محمدی، ابراهیم (۱۴۰۱). کاوشی در روابط زناشویی زوجین فعال در فضای مجازی. راهبردهای نو در روان‌شناسی و علوم تربیتی، ۴(۱۵)، ۲۹-۴۷.
- محمدی، ابراهیم، خوش‌اخلاق، حسن و جلالی، الهه (۱۴۰۱). بررسی کیفی مشکلات روان‌شناختی - فرهنگی و اجتماعی اعتیاد به شبکه‌های مجازی و اینترنت بر روی روابط زناشویی زوجین. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۳(۵۰)، ۲۷۵-۳۰۳.

مصلاهی‌راد، سارا و ملکیان، نازنین (۱۴۰۳). بررسی رابطه بین ارتباطات میان‌فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام با طلاق عاطفی در زوجین استان البرز. *پژوهش‌های جامعه‌شناختی*، ۱۷(۱)، ۱۰۵-۸۳.

مک‌کویل، دنیس و ویندال، سون (۱۳۸۸). *مدل‌های ارتباطات جمعی*. ترجمه گ. میرانی. تهران: دفتر پژوهش‌های رادیو. مرادی‌پردنجانی، حجت‌الله و سعیدزاده، حمیدرضا (۱۳۹۱). بررسی عوامل موثر در گرایش دانش‌آموزان به فضای مجازی. *دانش انتظامی سمنان*، ۲(۳)، ۲۰-۱.

موحد، احمد، عباسی، زهره، تقی‌زاده، راضیه، دری، فاطمه و طاقتی، فاطمه (۱۴۰۱). نقش اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر موبایل در پیش‌بینی طلاق عاطفی و آمادگی طلاق زنان متأهل شهر قاین. *زن و جامعه*، ۱۳(۳)، ۱۱۵-۱۳۲.

ولمن، بری و کوان‌هاس، آنتونی (۱۳۸۵). *شبکه‌های اجتماعی، مشارکت و تعهد اجتماعی*. ترجمه فلاح آزاد شیرزاد. تهران: فرهنگ و فناوری. ویندال، سون و دیگران (۱۳۸۷). *کاربرد نظریه‌های ارتباطات*. ترجمه ع. دهقان. تهران: مرکز مطالعات تحقیقات و رسانه‌ها.

هاشمی‌فرود، عظیمی، لیلا، روشنایی، علی و اسدی‌داوودآبادی، محمدحسین (۱۴۰۰). تأثیر میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی و برنامه‌های ماهواره بر منابع احساسی زنان (مطالعه موردی: زنان متأهل ۵۵-۲۰ ساله بروجرد). *مطالعات فرهنگ - ارتباطات*، ۲۲(۵۶)، ۱۶۳-۱۹۴.

Barak, A. & Sadosky, Y. (2008). Internet use and personal empowerment of hearing-impaired adolescents. *Computers in Human Behavior*, 24(5), 1802-1815.

Davis, F. D. (1989). Perceived usefulness, perceived ease of use, and user acceptance of information technology. *MIS Quarterly*, 13(3), 319-340.

DeFleur, M. L. & Ball-Rokeach, S. J. (1989). *Theories of mass communication* (5th ed.). Longman.

Inglehart, R. & Welzel, C. (2007). *Modernization, cultural change, and democracy: The human development sequence*. Cambridge University Press.

Nichols, M. P. & Schwartz, R. C. (1998). *Family therapy: Concepts and methods* (4th ed.). Allyn & Bacon.

Valenzuela, S., Park, N. & Kee, K. F. (2009). Facebook use and college students' life satisfaction, trust, and participation. *Journal of Computer-Mediated Communication*, 14(4), 875-901.

Zhu, Y.-Q. & Chen, H.-G. (2015). Social media and human need satisfaction: Implications for social media marketing. *Business Horizons*, 58(3), 335-345.

Wellman, B., Quan-Haase, A., Boase, J., Chen, W., Hampton, K., Isla de Diaz, I. & Miyata, K. (2003). The social affordances of the internet for networked individualism. *Journal of Computer-Mediated Communication*, 8, 3.